



خبرنگار گروه فرهنگ

شهر پر از پیلورد‌های تبلیغاتی است که در آن مردم را به تماشای یک فیلم فرامی‌خواند، اما در بیشتر این تابلوها، جای قهر مان داستان، یعنی «شهید علی صیاد شیرازی» خالی است و حضور «ابوالحسن بنی‌صدر» به‌عنوان مهم‌ترین قطب منفی اثر در آن‌ها پرتکرارتر است. فیلم سینمایی «صیاد» هم در واقعیت به جای شناساندن چهره ویزه‌ای همچون «شهید علی صیاد شیرازی» به مخاطبان جوان‌تر سینما و تبدیل آن به «اسم خاص» در ذهنیت این دسته از تماشاگران به‌طور ناخواسته به بیان خصوصیات و ویژگی‌های بنی‌صدر می‌پردازد و به اثری پرتره، اما در مورد بدمن ماجرا تبدیل می‌شود. «صیاد» پس از «پایی برای پرواز» و «کلبه» سومین فیلم بلند داستانی «جواد افشار» محسوب می‌شود که اگر نسبت به دو ساخته قبلی بدتر نباشد به‌هیچ‌وجه بهتر نیست. در واقع افشار در دومین پروژه بلندپروازانه‌اش پس از سریال پرزه پنه «کیمیا» به سراغ روایت بخش‌هایی از زندگی فرمانده نیروی زمینی ارتش رفته ولی از نتیجه کار چنین برمی‌آید که فیلم هنوز تبدیل به یک «اثر» نشده و در حد کلیپ‌ها و آیت‌های نمایشی تلویزیونی باقی مانده است. قرار فیلم‌ساز با ما احیاناً این است که در هنگام تماشای

تاریخچه

جواد افشار

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

وقتی اصول سینما رعایت نشود به شخصیت اصلی و داستان او جفا می‌شود

فیلم همه به جز صیاد

صیاد به شناخت دقیق‌تری از این قهر مان دست یابیم و احساس مثبت مان نسبت به او را برانگیخته کنیم که در این صورت می‌توان به تیم تولید این فیلم به‌خاطر نیت خیرشان آفرین گفت، اما وقتی که وارد جهان بی‌منطق و پادروهای اثر می‌شویم تمام آن تحسین‌های اولیه را از فیلم‌سازش پس می‌گیریم!

صیاد که در ادامه پروژه ساخت فیلم و سریال در مورد فرماندهان دفاع مقدس قرار دارد نه‌تنها مانند بیشتر آن‌ها به فرم نرم‌سبد بلکه اساساً «شناخت سوژه» برایش تبدیل به «مسئله اساسی» نمی‌شود و فیلم مدام دور آدم‌ها و موضوعات متعدد می‌چرخد و بدون آن که آورده‌ای برای مخاطبش داشته باشد به تیتراژ پایانی می‌رسد. ما قرار است از پس تماشای کشمکش میان صیاد شیرازی با بنی‌صدر و همراهانش به شناخت دقیق‌تری از قهر مان داستان برسیم، ولی فیلم‌ساز با نابودی تمام، زاویه‌دید دوربینش را به‌طرف بنی‌صدر سوق می‌دهد و در مقایسه با صیاد شیرازی پرداخت بیشتر و حتی به شکل ناخواسته نگاه همدلانه‌تری نسبت به او دارد! به همین خاطر هم است که فیلم مصالح لازم برای بیان تفسیرهای زمان‌پرشانه را فراهم می‌کند و اکت‌ها و تصمیمات سیاسی نرئیس‌جمهور مخلوق را در ترازوی امروز می‌گذارد. این البته تنها ایراد مهم و اساسی صیاد نیست و ما به‌عنوان مخاطب سینما نسبت به چرایی حضور او در عملیات‌های مختلف و دفاعش از نیروهای نظامی و همچنین ایده‌اش

جواد افشار

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

قهر مان‌های ملی مان در دفاع مقدس بوده‌ایم. پرتروهایی که به‌مرور بر کمیتشان افزوده شد و هر ساله با افزایش سهم این آثار در سبد تولیدات ارگانی – نهادی مواجه بوده‌ایم؛ اما به‌تبع این افزایش کمتی، به لحاظ کیفی اوضاع چگونه است؟ برای بررسی این سوال، می‌توانیم به سراغ اثری برویم که افتخاحیه چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر را به خود اختصاص داد و به مناسبت روز ارتش، ارکان عمومی خود را آغاز کرد. دیدن فیلم‌هایی مانند «صیاد»، بیشتر از آنکه ضعیف‌بودنشان آذیت‌کننده باشند، اینکه سوژه‌ای بسیار مهم را با تمام توان هدر می‌دهند، آزاردهنده و تأسف‌بار است. کنار هم گذاشتن بی‌انجماد سلسله‌ای از وقایع تاریخی از زندگی یک شخصیت واقعی، به‌خودی‌خود نمی‌تواند بازخلق آن شخصیت در مدیوم سینما را رقم بزند؛ کمالینکه در نقاشی‌های پرتره نیز صرف کشیدن یک چهره، ما را به هنر نخواهد رساند. مخاطب برای مواجهه‌ای نو با شخصیت شهید صیاد شیرازی بر پرده سینما، نیاز به شنیدن دوباره و واو به واو سخنان او در دل تاریخ ندارد! اتفاقاً «صیاد» زمانی می‌توانست «شهید صیاد شیرازی» باشد که انگیزه‌های ایراد این سخنان را با امکان‌ناهمینمای روایت می‌کرد. چرایی و ریشه پلیدش و واکنش‌های شخصیت‌ها در این فیلم، به نحوی نامشخص است که گویا

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

شخصیت‌پردازی درست، داستان تأثیرگذار و مدل روایی متفاوت‌شان است که تا این حد مشهور شدند و مخاطب جهانی پیدا کردند. به بیان ساده‌تر، یک فیلم جنگی خوب هم باید در گام اول فیلمنامه خوب و متفاوتی داشته باشد تا آن صحنه‌های عظیم جنگی هم بتوانند تأثیرگذار از کار دربیایند. اما در سینمای ایران خبری از فیلمنامه خوب نیست و همین عدم وجود فیلمنامه خوب است که باعث شده تا فیلم‌هایی مانند «صیاد» تبدیل به پروژه‌های شکست‌خورده‌ای شوند که نه تنها مخاطب را سرگرم نمی‌کنند، بلکه او را

هم از تماشای چنین فیلم‌هایی دلزده می‌نمایند. «صیاد» اشکال و اشتباه بزرگ در فیلمنامه زیاد دارد. اما شاید بزرگ‌ترین اشتباه نویسنده و کارگردان هنگام نوشتن فیلمنامه این باشد که شخصیت منفی فیلم که قرار بوده نماد خیانت و پلیدی باشد، بسیار منطقی‌تر از شخصیت اصلی فیلم است. احتمالاً ناقص‌د و هدف نویسنده و کارگردان این بوده که بنی‌صدر را شخصیت زیرک و باهوشی نشان دهند که قصد و نیت پلیدش را در بسته‌بندی زیبایی از حرف‌های درست عرضه می‌کند. اما مشکل

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

می‌کند. انگار در این آثار نوعوبالتره پرتروه‌های شهدا، می‌خواهند با هم رقابت کنند. در همین راستا تعداد نماهای لانگ و اکستریم لانگ فیلم صیاد بسیار کم است. در عوض کلوزآپ و مدیوم شات است که توری چشم مخاطب می‌زنسد، اما در قیاس مقام تفاوت کیفیت فیلم‌های مذکور در جزئیات همین شخصیت‌پردازی‌هاست.

برای همین غریب توانست گوی سبقت را از ج و آسمان غرب برپایند. در صیاد اما هر چند نویسنده تلاش کرده تصویری چندوجهی از شهید صیاد به ما بدهد، اما بازی هوشمندانه علی سربای است که آن حجم از شعارزدگی دیالوگ‌ها را تلطیف می‌کند. با چیز نجات‌بخشی به اسسم لحن که به نظرم مهم‌ترین ویژگی یک فیلم است. لحن درست می‌تواند یک فیلم بالقوه بد را به یک فیلم خوب تبدیل کند.

برخلاف بسیاری از نقدها هوش مصنوعی هم به کمک سربایی آمده و بازنسازی صدای شهید موفق عمل کرده و حس خوشایندی به تماشاگر می‌دهد. لاقال برای من که این‌طور بود. ویژگی مثبت دیگر برای تابوشکنی‌های جسورانه‌اش است. خیلی صریح تنش میان ارتش و سپاه را نشان می‌دهد. با انتخاب درست مارال بنی آدم لحظات خصوصی دلنشینی می‌آفریند و تصویر واقع‌گرایانه‌ای از

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

مهم ارانه نمی‌دهد. اگر بیننده چشمانش را ببندد، تقریباً همه چیز را متوجه خواهد شد و این یعنی فیلم در استفاده از تصویر، این مهم‌ترین ابزار سینما، ناکام مانده است.

شخصیت‌بنی‌صدر در فیلم به شکل عجیبی کاریزماتیک و تأثیرگذار تصویر شده است. در تمام صحنه‌هایی که در دفتر کارش می‌گذرد؛ هم میزانش و هم بازی بازیگر و هم دوربین به گونه‌ای است که موضع او را معقول و منطقی نشان می‌دهد. بنی‌صدر کاملاً در موضع قدرت است. این در حالی است که فیلم ظاهراً قصد داشته تصویری منفی از او ارائه دهد. چنین تناقضی در شخصیت‌پردازی، پیام اصلی فیلم را مخدوش می‌کند.

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

فیلم از سه بخش مجزا تشکیل شده که ارتباط چندانی با هم ندارند. نخست درگیری‌های کردستان، سپس اختلافات صیاد و بنی‌صدر و در نهایت آزادسازی بستان. این پرش‌های ناگهانی بدون آنکه ارتباط منطقی بین آن‌ها برقرار شود، مخاطب را سردرگم می‌کند. فیلمنامه از عدم انجماد دورنی رنج می‌برد. گویی فیلمساز می‌خواسته تمام اتفاقات مهم اوایل انقلاب را در یک اثر بگنجد، اما

مبنی بر همگرایی سپاه و ارتش در میدان نبرد هیچ درکی پیدا نمی‌کنیم. اینجا دقیقاً نقطه‌ای بود که فیلمنامه‌نویس باید پیش از هر چیز فکرش را می‌کرد و از انگیزه‌های درونی و بیرونی برای حضور همه‌جانبه در جنگ پرده برمی‌داشت تا تماشاگر نسبت به چندوچون اقدامات او به‌درستی آگاه می‌شد و صیاد را به همراه تمام ویژگی‌های مثبت و نقاط ضعفش در راه پرداخت و قرام شخصیت درک می‌کرد، اما فیلمنامه و اجرا در یک اتحاد نامبارک دست به ساخت اثری زده‌اند که همان اطلاعات و محفوظات پیشینی ما در مورد شهید صیاد شیرازی را به شکلی ابتر و فشرده تکرار می‌کند؛ با این تفاوت که مطالعه آنچه بر این شهید در طول دوران جانش گذشته ما را از تماشای این فیلم کاملاً بی‌نیاز می‌کند.

تعدد موضوعات که رفت‌وآمد آدم‌ها به درون قاب را منطقی جلوه می‌دهد مورد دیگری است که اجازه ساخته‌شدن شخصیت سینمایی کاراکتر محوری ماجرا را نمی‌دهد. در واقع بیننده نمی‌تواند با وجوه سینمایی شخصیت صیاد ارتباط بگیرد و برای قرارگرفتن در مسیر قصه، حرفه‌های عمیق ویر نانشدن روایت را بازوجه پیش‌فرض‌های خود نلوی برد. این البته تنها جنبه منفی این شیوه از روایت نیست و باید اشاره کرد که فیلم‌ساز جمله زیادی دارد تا توجه مخاطب را از اصل به سمت حاشیه بکشاند و او را با بدی ذهنی مواجه کند؛ حاشیه هم چیزی جز پرداختن به بگو‌مگوی فرماندهان

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

کارگردان و نویسنده اثر، اساساً دغدغه‌ای در این حوزه نداشته‌اند و گویی تمام هم‌وغمشان، ارائه پژوهش‌های تاریخی‌شان بوده است!

«صیاد» حتی در بازنمایی تلاش بنی‌صدر برای ایجاد اختلاف میان ارتش و سپاه نیز ناتوان است؛ ولی حتی اگر در این امر نیز موفق بود، باز هم فیلم نجات نمی‌یافت؛ چراکه علل و انگیزه‌های تقلا ی بنی‌صدر بود که می‌توانست بنی‌صدر را بسازد؛ ولی فیلم با اینکه از بازیگر توانمند و همچون هومن برق‌نورد بهره می‌برد، ضعف متن فیلم‌نامه و اسارت کارگردان در شیبه‌سازی تاریخ، «صیاد» را به یکسی از نقاط تاریک کارنامه برق‌نورد تبدیل کرده‌اند. وضعیت دیگر شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان نیز خوب نیست. صیاد با بازی

علی سربایی، باید موتور محرک داستان باشد؛ ولی خود تبدیل به یکی از نقاط ضعف اصلی فیلم شده است. ایده همکاری و هم‌گرایی میان نیروهای نظامی ایران، چرا تبدیل به پروژه اصلی این کاراکتر شده است و چگونه می‌خواهد توسط او پیاده شود؟ برای این دو پرسش، پاسخی در فیلم وجود ندارد و به‌جای آن، گریم‌های منطبق بر شواهد تاریخی، گویا از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است! تمام این موارد در کنار بازی نه‌چندان موفق بازیگر و تحمیل‌شدن حجم زیادی از دیالوگ‌های کلیشه‌ای و بعضاً به‌غایت شعاری توسط فیلم‌نامه

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

اینجاست که نویسنده و کارگردان نتوانستند این وجه ریاکارانه از شخصیت بنی‌صدر را به خوبی پرورش دهند و در نقطه مقابل هم با قهر مانی طریف که کش خاصی ندارد و مدام به اقدامات ضد قهر مان باهوش فیلم واکنش نشان می‌دهد. این اشتباه‌فاحش از سوری نویسنده و کارگردان باعث شده این سوال برای تماشاگر پیش بیاید که آیا شهید صیاد شیرازی و این حجم از افعال، تبدیل به مرد شماره یک ارتش در آن دوران پر مناقشه شده است؟ وقتی تماشاگر به چنین دریافت و برداشتی از قهر مان فیلم برسد، مشخص است که دیگر به دنبال این نیست که ببیند شهید صیاد شیرازی چرا و به واسطه کدام اقدامات چنین جایگاه رفیمی در تاریخ معاصر ایران پیدا کرده است. همان‌طور که کمی قبل‌تر هم اشاره کردیم، ساخت یک فیلم پرتره خوب از یک قهر مان ملی پیش و پیش از هر چیز به یک فیلمنامه خوب نیاز دارد. فیلمنامه‌ای که بتواند قهرمان‌ها را در قامت یک انسانیت‌دوستانه و به خوبی چرایی قرار گرفتن او در چنین جایگاهی را تشریح کند. در شکل فعلی، «صیاد» بیشتر یک پرتره ناقص است. به طر ح اولیه از یک تابلوی

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

شخصیت‌های سیاسی آن دوران خلق می‌کند. اما همه این‌ها در بستر یک درام ضعیف و فاقد کش فقط تا یک جایی کار می‌کنند. فیلم عملاً هیچ نقطه اوجی ندارد. وقایع می‌آیند و می‌روند بدون اینکه حسی در مخاطب ایجاد کنند. هر سکانس خیلی زود به سکانس بعدی کات می‌خورد، بدون اینکه حس سکانس قبلی منعقد شود. پایان هم که شاکار است!

خیلی ناگهانی و ضربتی و هالیوودی تمام می‌شود. مشکل دیگر یکی به نعل و یکی به میخ زدن است. فیلم می‌خواهد همه را راضی کند و به هر طیف و شخص سیاسی‌ای که سر راهش قرار گرفته، متلکی ببیندازد. منطق نریشن زنانه فیلم هم مشخص نیست، زیرا علاقه بین صیاد و همسرش آن‌قدر عمیق نمی‌شود که خواندن صحت‌های شهید توسط زن کارگردا پیدا کند. هر چند تک‌لحظات عاطفی آنی و سطحی خوبی بینشان برقرار است. راکورد فیلم هم که‌گاهی توی ذوق می‌زند. از مدل موی کاراکتر نادر سلیمانی گرفته تا لباس‌های گرم صیاد

در خرداد سال ۱۳۶۰ موقع عزل بنی‌صدر. فیلم می‌خواهد با نوستالژی بازی و نشان‌دادن چهره‌های شاخص سیاسی آن دوران مخاطب را گول بزند، مثلاً سکانس ملاقات با شهید رجایی واقعاً ناآلزام است و کاربرد ی ندارد، چون خبر تأیید اقدامات شهید صیاد توسط امام می‌توانست طور دیگری به او برسد. نبود

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

در نهایت فقط به ناخنک زدن سطحی به هر رویداد بسنده کرده است. اوج این پرانگندگی روایی در انتهای فیلم رقم می‌خورد. جایی که در چند خط آزادسازی خرمشهر را توضیح می‌دهد. بدون آنکه حتی یک پلان در این باره به ما نشان بدهد. گویی کارگردان فراموش کرده است که سینما هنر نمایش دادن است، نه گزارش خشک تاریخی.

استفاده بی‌رویه از نریشن همسر صیاد که مدام در حال خواندن یادداشت‌های اوست، به یکی از آزاردهنده‌ترین عناصر فیلم تبدیل شده است. نریشن نه‌تنها کمکی به پیشبرد داستان نمی‌کند، بلکه در صحنه‌های حساس و درست وسط عملیات، حس و فضای صحنه را تخریب می‌کند. اگر فیلمساز قصد استفاده از این تکنیک را داشت، می‌توانست آن را به شکل روایت خاطرات توسط همسر شهید پس از شهادت او طراحی کند که هم منطقی‌تر می‌شد و هم

تأثیر حسی بیشتری داشت. متأسفانه فیلم در دام همان کلیشه‌های رایج آثار دفاع مقدس افتاده است. شخصیت اصلی فیلم (صیاد) مانند بسیاری از قهر مانان این ژانر، انسانی بی‌عیب

به سربایی، وضعیت را برنج‌تر کرده است. فیلم در یکی از سکانس‌هایش، تلاش می‌کند بر سر راهی که شخصیت اصلی‌اش در حال طی‌کردن آن است، چالشی بگذارد و نشان دهد اتحاد میان ارتش و سپاه، به این راختی‌ها هم نیست و اختلافات میان قوای مسلح وجود دارد. حتی‌تر از این حرف‌هاست. خروجی‌ا ما دقیقاً خلاف این قصد است و خام‌دستی نویسنده در نگارش دیالوگ‌های این سکانس، آن‌قدر بالااست و کشمکش فرماندهان به‌اندازه‌ای پیش‌پاافتاده است که مخاطب به‌جای جدی‌گرفتن این چالش، به آن می‌خندد!

گویا برای شباهت بیشتر فیلم به واقعیت، از تکنولوژی هوش مصنوعی برای نزدیک‌شدن صدای شخصیت‌ها به صدای واقعی‌شان استفاده شده است. ای‌کاش به‌جای وقت و هزینه‌ای که صرف چنین هدف پیورده‌ای شده است، فیلم‌نامه «صیاد» دست‌خوش یک بازنویسی اساسی می‌شد تا شاهد چنین اثر غیرقابل‌دفاعی نمی‌بودیم. معلوم نیست چند سال دیگر باید بگذرد تا نهادها و ارگان‌های فیلم‌سازی، دوباره رغبتی داشته باشند برای دست گذاشتن روی سوژه شهید صیاد شیرازی؛ اما تا آن موقع باید حسرت داشتن پرتره‌ای در شان این شهید درگذر را بخوریم. گرچه، اگر آن زمان هم برسد آیا امید چندانی برای دیدن آن پرتره هم‌شان وجود دارد؟!

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

نقاشی شبیه است که نقاش وقت و حوصله تکمیل آن نداشته است. نه می‌تواند جایگاه قهر مانش را برای مخاطب ببیند کند و نه حتی می‌تواند اندکی تماشاگر را با دوره برحاده‌ای که داستان در آن اتفاق می‌افتد، آشنا کند. حتی به اندازه کافی سرگرم‌کننده نیست که تماشاگر مجذوب و جوه جذاب داستانی و بصری فیلم شود و تماشای آن را به دیگران توصیه کند. یک فیلم ناقص است که حتی نمی‌تواند شأن و جایگاه قهر مانش را حفظ کند. شاید جواد افشار بهتر است برای ساخت چنین سوژه‌هایی سراغ ساخت سریال برود که بیشتر در آن تبحر دارد. چون در سریال زمان و فرصت بیشتری وجود دارد برای اینکه کارگردان بتواند ابعاد مختلف زندگی قهر مان را ترسیم کند و تماشاگر را با اقدامات قهر مان خود آشنا نماید. والا ساخت فیلم‌هایی که همگی ضعف‌های آشکاری در فیلمنامه دارند، کمکی به شناسایی قهر مانان ملی ایران نمی‌کند. بهتر است قبل از اینکه فیلم‌هایی مانند «صیاد» وارد مرحله تولید شوند، متولیان امر در هنگام نوشتن فیلمنامه سخت‌گیری بیشتری انجام دهند تا شاهد چنین فیلم‌های ضعیف و کم‌اثری نباشیم.

جواد افشار در جشنواره فیلم فجر

آنتاگونیست قوی در فیلم شخصیت اصلی را منفعل و میزانشن‌های تکراری، ایستا و غیرسینمایی کارگردان، انفعال او را درجندان می‌کند. در فیلم کلام جلوتر از تصویر است و عملیات‌های شهید جلوه خاصی ندارند. او بیشتر سخنوری می‌کند تا اقدام عملی.

به هر صورت در مقطعی که صحبت از وقاق ملی است، فیلم صیاد از این منظر به‌خوبی تسهیل‌گری شهید صیاد را در وحدت بین ارتش و سپاه در معرض دید قرار می‌دهد. نکته‌ای در فیلم نهفته که به نظر من تسبیح اثر است. این فیلم به‌جای آن که جلوه‌گر شکوه پیروزی‌ها و حماسه‌ها باشد، سوگواره‌ای بر شکست‌ها و ناکامی‌های زندگی شهید صیاد شیرازی است. ما تصویر شکست‌های او را بیشتر از موفقیت‌هایش می‌بینیم (البته بدون رعایت این انکسار در فرم). ارتش او را می‌زند زیرا او را مقصر ورود